

Effective Factors in the Promotion of Political and Social Status of the Twelver Shiites in Iran during Seljuk Period

Mohammadreza Barani *

Assistant Professor and Faculty Member of the History Department of Alzahra University, Iran, m.barani@alzahra.ac.ir

Abolfazl Razavi

Associate Professor of History, Kharazmi University, Iran, abolfazlrazavi@khu.ac.ir

Hadayat Naderian

Ph.D. Student of Islamic Studies University, Iran, h.naderyan@yahoo.com

Abstract:

Sunni-Seljuk's empowerment splited the social and political relations among Shias and Sunnis, but this did not destroy their social basis and their intellectual power. The gradual integration of Seljuk's ruling system with Islamic-Iranian traditions put them in the right direction. More importantly, Twelver Shiites showed its true identity and paved the ground for their influence in the government and the society. The political and social conduct of Twelver Shiites, and their utilization of their principles had a significant contribution in this regard.

Twelver Shiites enjoying the status of Naghibs, praise singers, influential ministers, and using the strategic principle of Taqiya (=reservation, prudence) tried to keep the identity of their group in this incompatible context. The results of using this approach was the strengthening of the influence of Shiites in the final period of Seljuk Empire, and paving the ground for its effectiveness in Khwarazmian, Mongols, and Ilkhanid dynasties. In this regard, the present study, using a descriptive-analytical method, aims at investigating effective factors in the promotion of political and social status of the Twelver Shiites in Iran during Seljuk period.

Keywords: Seljuk, Twelver Shiites, Political and Social Status, the Ministry, Taqiya (=reservation), Naghib.

* Corresponding author

فصل نامه پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی)
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و سوم، دوره جدید، سال نهم
شماره دوم (پیاپی ۳۴)، تابستان ۱۳۹۶، صص ۵۱-۶۶
تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۰۳/۰۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۱۶

عوامل موثر در ارتقاء جایگاه سیاسی اجتماعی شیعیان امامی در ایران دوره سلجوقی

محمد رضا بارانی* - سید ابوالفضل رضوی** - هدایت نادریان***

چکیده

قدرت‌گیری سلجوقیان سنی مذهب، موقعیت سیاسی اجتماعی شیعیان را دچار گسست کرد؛ اما پایگاه اجتماعی و توان فکری فرهنگی آنان را از بین نبرد. به تدریج که ساختار حکومت سلجوقی به سبب تلفیق با سنن ایرانی اسلامی در مسیر درست قرار گرفت و مهم‌تر اینکه شیعه امامیه هویت و ماهیت متفاوت خود را نشان داد، زمینه برای نفوذ آنان در جامعه و حکومت هموار شد. سلوک سیاسی و اجتماعی شیعیان امامی و بهره‌گیری موثر شیعیان از اصول اعتقادی خویش، در این جهت سهم موثر داشت.

شیعیان امامی با بهره‌گیری از جایگاه نقیبان، منقبت‌خوانان، وزیران دارای نفوذ و با استفاده از اصل راهبردی تقیه در جهت حفظ و تداوم هویت گروهی خود کوشیدند و در این بستر ناسازگار با رویکرد مذهبی خود، برای پیشرفت پایگاه سیاسی و اجتماعی شیعه تلاش کردند. نتیجه این رویکرد و بهره‌گیری از این راهکارها، تقویت نفوذ شیعیان در دوره‌های پایانی فرمانروایی سلجوقیان بود که زمینه را برای اثربخشی شیعیان در دوره خوارزمشاهیان و مغولان و ایلیخانان در ایران فراهم کرد. در همین راستا، مقاله حاضر با روش توصیفی تحلیلی جایگاه سیاسی اجتماعی شیعیان امامی را در عهد فرمانروایی سلجوقیان واکاوی و عوامل موثر در این مهم را به عنوان دوره‌ای تاثیرگذار در سیر تحول جایگاه امامیه در تاریخ ایران بررسی می‌کند.

واژه‌های کلیدی: سلجوقیان، شیعیان امامی، جایگاه سیاسی اجتماعی، وزرات، تقیه، نقیب.

* استادیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه الزهرا (س)، ایران m.barani@alzahra.ac.ir، نویسنده مسوول

** دانشیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی، ایران، abolfazlrazavi@Khu.ac.ir

*** دانشجوی دکتری دانشگاه مذاهب اسلامی، ایران، h.naderyan@yahoo.com

مقدمه

فهم چرایی و چگونگی موفقیت شیعیان امامی در عصر فرمانروایی سلاجقه، در پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر بررسی می‌شود: بهره‌گیری شیعیان امامی از اصل راهبردی تقیه، در کسب پایگاه سیاسی و اجتماعی درخور اعتنای ایشان در عهد فرمانروایی سلجوقیان چه تأثیری گذاشته‌است؟ وزیران و صاحب‌منصبان امامی مذهب این عهد در ارتقاء جایگاه سیاسی و اجتماعی شیعیان امامی چه سهمی داشته‌اند؟ رویکرد مسالمت‌آمیز شیعیان امامی در برخورد با اهل سنت و کارکردهای فکری و فرهنگی ایشان، در جایگاه سیاسی اجتماعی آن‌ها چه تأثیری داشته‌است؟

درباره شیعه امامیه و جایگاه آن در عهد حاکمیت سلجوقیان، پژوهش‌های چندی انجام شده‌است که در این میان، رساله دکتری سیدمحمدحسین منظورالاجداد از حیث روشمندی و برخورداری از چارچوب آکادمیک از دیگران ممتازتر است. ایشان جایگاه امامیه را در گستره قلمرو سلاجقه بررسی کرده و جایگاه سیاسی و اجتماعی این فرقه را نیز مد نظر قرار داده‌است. در پژوهش ایشان، رویکرد تاریخی برجسته‌تر است و حال آنکه مقاله پیش رو، به بررسی عوامل و راهکارهای بزرگان شیعه در تقویت جایگاه سیاسی اجتماعی شیعه امامیه می‌پردازد. به‌علاوه، مقاله حاضر تنها به جایگاه امامیه در جغرافیای سیاسی ایران پرداخته‌است و بررسی موقعیت سیاسی و اجتماعی شیعیان امامیه در دیگر مناطق تحت سیطره سلجوقیان را در نظر ندارد. منظورالاجداد بیشتر به وضعیت شیعیان عراق و روابط آن‌ها با خلافت بغداد پرداخته‌است. ایشان خاندان‌های شیعه عراق مثل آل‌مزید و دانشمندان شیعی حوزہ‌های علمی بغداد را بررسی کرده و شیعه امامیه را در ایران به شکل تخصصی بررسی نکرده‌است؛ همچنین درباره مسائلی همچون تقیه و اسماعیلیان ایران مطالبی نیآورده‌است. غلامرضا جلالی

قدرت‌گیری سلجوقیان سنی مذهب همگرا با دستگاه خلافت عباسی، در بخش وسیعی از قلمرو اسلامی، شیعیان برخوردار از حمایت حکومت‌های پیشین شیعی را به انزوا فرو برد و برتری سیاسی و اجتماعی آن‌ها را با گسست مواجه کرد. شیعیان زیدی در پی مرگ ناصر اطروش و اختلاف بین جانشینان وی، ضمن از دست دادن پایگاه سیاسی خویش در شمال ایران، هویت گروهی خود را از دست داده (۳۱۶ق) و شیعیان اسماعیلی نیز دشمنی آشکار با حکومت سلجوقی را در دستور کار قرار دادند؛ اما شیعیان امامی راهی متفاوت در پیش گرفتند و برای ماندگاری و تداوم هویت فکری فرهنگی خویش تلاش کردند؛ از این رو، با اتخاذ راهبرد مناسب و انجام کارکردهای موثر، برای تقویت پایگاه اجتماعی خود تلاش کردند و با حضور فعال همراه با احتیاط و تدبیر، زمینه را برای حفظ و استمرار جایگاه سیاسی و اجتماعی خویش در سراسر تاریخ میانه ایران فراهم آوردند.

فرهیختگان امامی با بهره‌گیری از تقیه، سلوک مداراجویانه و همزیستی مسالمت‌آمیز با اکثریت تسنن، پرداختن به امور فرهنگی، مشارکت فعال در ساخت سیاسی حاکم و جلب اطمینان سلاطین سلجوقی و نیز بهره‌گیری از سنن فرهنگی و اجتماعی با سابقه‌ای همچون منقبت‌خوانی و بهره‌گیری از موقعیت نقیبان شیعی، پایگاه اجتماعی و هویت سیاسی و اعتقادی خود را از دیگر فرقه شیعه متمایز کردند. آنان با بهره‌گیری از وضع موجود، در پاسی از دوران سلاجقه، جایگاه خود را تثبیت کردند. در همین راستا، مقاله حاضر پس از مروری بر جایگاه سیاسی و اجتماعی امامیه در جامعه و حکومت عهد سلجوقی، به عوامل موثر در این جهت می‌پردازد.

آلبارسلان هیچ نشیندند که امیری یا ترکی، رافضی را بخویشتن راه داده است و اگر یکی از پادشاهان راه دادی با او عتاب کردی و خشم گرفتی» (نظام الملک، ۱۳۶۹: ۱۹۹)، از دیدگاه وی به شیعیان یاد کرده و با آوردن حکایتی، از سخت گیری آلبارسلان در مقابل آن‌ها یاد می‌کند (نظام الملک، ۱۳۶۹: ۲۰۳)؛ اما گزارش‌های دیگر منابع از این صراحت عمل سلطان سلجوقی حکایت ندارد (میرخواند، ۱۳۸۰: ۳۱۵۵؛ خواندمیر، ۱۳۸۰: ۴۸۷).

در برداشتی بدبینانه، ممکن است سلوک اولیه سلاطین سلجوقی را در برابر شیعیان به علت انتقال قدرت از آل‌بویه شیعه‌مذهب به خاندان سلجوقی حنفی‌مذهب و ضرورت رعایت حال خلیفه عباسی دانسته و اظهار دشمنی صریح با اسماعیلیه را شامل حال امامیه نیز بدانیم؛ اما باید اشاره کنیم که ساختار حکومت سلجوقی به علت خوگرفتن با سنت‌های حکومتی ایرانی اسلامی، کم‌کم در مسیر طبیعی خود قرار گرفت و مهم‌تر اینکه شیعه امامیه نیز هویت و ماهیت متفاوت خود را با دیگر فرقه‌های شیعه نشان داد؛ پس سخت‌گیری به آنان کم شده و زمینه برای نفوذ آنان در جامعه و حکومت فراهم شد. برپایه گزارش‌های منابع، می‌توان آغاز این نفوذ امامیه را به دوره سلطنت ملک‌شاه سلجوقی یا حداقل اواخر دوران سلطنت وی مربوط دانست.

در این جهت دیدگاه خواجه نظام الملک، نظریه پرداز و وزیر صاحب نفوذ عهد اقتدار سلاجقه بزرگ، دو پهلوست. او در کنار دشمنی صریح با تشیع که گاه‌گاه امامیه را نیز با عنوان روافض یا باطنی در شمار فرق بدعت‌گذار قرار می‌دهد، از نفوذ فراوان آن‌ها در امور دیوانی حکایت می‌کند. نظام الملک که از نفوذ شیعیان در عهد ملک‌شاه سلجوقی گله‌مند است و از بی‌اعتنایی سلاطین قبلی سلجوقی به آنان یاد می‌کند و البته بدون

نیز در مقاله «عصر سلجوقی و سیاست‌های فرهنگی شیعه» که در شماره ۷۹ مجله مشکوه به چاپ رسید، وضعیت امامیه را بیشتر در بغداد بررسی کرده و کمتر به مسائل اجتماعی شیعه امامیه پرداخته است. مقاله «وضعیت فرهنگی شیعه امامیه در ایران عصر سلجوقی» تالیف بارانی و نادریان در مجله سخن تاریخ شماره ۱۵، بیشتر به عناصر فرهنگی جامعه شیعی امامیه پرداخته و کمتر به وضعیت سیاسی و اجتماعی شیعیان پرداخته است.

جایگاه شیعیان امامی در ایران عهد سلاجقه

سلاطین سلجوقی به پاک دینی مشهور بودند و مذاهب سنت و به‌ویژه فرق حنفی و شافعی را ارج می‌نهادند (مستوفی، ۱۳۳۹: ۴۲۶)؛ اما این به معنای تخاصم با شیعیان به‌طور عام نبود و در بیشتر مواقع، شیعیان اسماعیلی را شامل می‌شد. بنابراین می‌توان چنین بیان کرد که سلاطین سلجوقی در سخت‌گیری بر شیعیان تعصب چندانی نداشتند. در واقع، این وزیران و درباریان سنی مذهب ایرانی بودند که سخت‌گیری بر دیگر مذاهب اسلامی را بنا نهادند (ابن‌خلدون، ۱۳۸۹: ۸۴۰/۲).

درباره اینکه طغرل، بنیان‌گذار سلجوقیان، چه رفتاری با شیعیان امامی در ایران داشته است، گزارش صریحی در منابع وجود ندارد؛ اما در یک نمونه، گزارش ابن‌اثیر از مشارکت علویان در امر حکومت حکایت دارد (ابن‌اثیر، ۱۳۷۰: ۵۷۵۴/۱۳). سلوک جانشینان طغرل در برابر شیعیان امامی نیز، در منابع بازتاب صریحی نیافته و تا حد بسیاری، دستخوش تقابل دستگاه سیاسی سلجوقی با شیعیان اسماعیلی شده است. برخورد آلبارسلان با امامیه نیز دوپهلوی و بر مبنای برداشت‌های کلامی گزارش شده است. نظام الملک با عبارت کلی «و سلطان طغرل و

اینکه میان فرق شیعیه تمایزی قائل شود، نسبت‌های ناروایی را نیز بدان‌ها روا می‌دارد، به‌طور صریح از نفوذ سیاسی و دیوانی شیعیان در قیاس با گذشته گزارش می‌دهد (نظام‌الملک، ۱۳۶۹: ۱۸۴، ۱۹۹، ۲۲۵ و ۲۲۶، ۲۵۴).

سخن‌راندن از نفوذ سیاسی شیعیان از سوی خواجه، امری که جایگاه سیاسی وی و هم مسلکان او را به خطر می‌انداخت و ابراز دشمنی با شیعیان بدون ایجاد تمایز میان اسماعیلیه و امامیه که البته سلوک عمومی امامی‌مذهبان و به‌خصوص بهره‌گیری ایشان از سلاح تقیه نیز این فرصت را به خواجه می‌داد که به آن‌ها نیز، با وجود نفوذشان، با نسبت‌های نکوهیده به صورت دوپهلوی حمله کند، قبل از هر چیز، از پایگاه درخور اعتنای این فرقه حکایت می‌کند. این در حالی است که دشمنی شخص نظام‌الملک با امامیه و سلوک ضد شیعی وی به‌طور کامل آشکار نیست؛ چراکه برپایه گزارش‌های منابع، شخص نظام‌الملک به همراه سلطان سلجوقی در چند نوبت مرقد امامان شیعه را زیارت کرد و با خانواده شیخ جعفر دوریستی، یکی از علمای بزرگ امامیه، ارتباط سببی داشت و در مجلس درس او نیز حضور می‌یافت (میرخواند، ۱۳۸۰: ۳۱۷۶؛ حسینی، ۱۳۸۰: ۱۰۶)؛ به‌علاوه، خواجه در چند موضع از ائمه شیعی به نیکی تمام یاد می‌کند و فضایل امام علی(ع) و امام حسین(ع) را برمی‌شمرد (نظام‌الملک، ۱۳۶۹: ۱۵۵ تا ۱۵۹).

صرف نظر از نظام‌الملک که به‌طور صریح از ارتقاء جایگاه سیاسی امامیه از عهد ملک‌شاه گزارش می‌دهد، داده‌های دیگر منابع و به‌ویژه گزارش‌های عبدالجلیل قزوینی شیعه‌مذهب که هم موضع سلبی شهاب‌الدین شافعی شیعه‌ستیز را مبنی بر نفوذداشتن شیعه در عهد سلاجقه پاسخ می‌گوید و هم موضع ایجابی خود را از حیث منزلت سیاسی و اجتماعی شیعیان بیان می‌کند نیز

نفوذ درخور اعتنای این فرقه را نشان می‌دهد. عبدالجلیل قزوینی موضع سلبی مؤلف فصائح‌الروافض را مبنی بر کم‌ارزش‌شمردن شیعیان در زمان سلطنت ملک‌شاه بدین نحو پاسخ می‌گوید: «اما جواب آنچه حواله کرده‌است به عهد سلطان ملک‌شاه، حوالتی است به دروغ که ادراعاتی و تسویغاتی (عطایا) که ایشان کرده‌اند، سادات شیعه را و خطوط و توقیعات ایشان بدان ناطق است و هنوز دارند و می‌استانند و احترام و توفیر و ترفیع سادات و علمای شیعه در آن عهد و دولت معلوم و مصور است» (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۴۱، ۱۴۲).

همین‌طور در پاسخ صاحب فضایح که معتقد بود «بروزگار ملک‌شاه و سلطان محمد قدس‌الله روحهما، نگذاشتندی که اینان (شیعیان) مدرسه و خانقاه بسازند» (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۳۴) از تعداد چشمگیر مدارس شیعیان که در عهد سلطنت این دو سلطان بنا شده‌اند، یاد می‌کند و متذکر می‌شود که «اگر به تعدید مدارس سادات مشغول شویم در بلاد خراسان و حدود مازندران و شهرهای شام از حلب تا حران و از بلاد عراق چون قم و کاشان و آبه که مدارس چند است و کی بوده‌است و اوقاف چند، طومارات کتب خواهد» (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۳۴). سلوک شخص ملک‌شاه در زیارت قبور ائمه شیعه و ازدواج دختر او خاتون سلقم با اسپهبد علی، حاکم شیعی طبرستان، نیز از تسامح وی در برخورد با شیعیان حکایت دارد (میرخواند، ۱۳۸۰: ۳۱۷۶، ۳۱۸۱). نویسنده ریاض‌الفردوس هم از ساخت قبه بر مزار برخی از امامان شیعه، به همت وزیر شیعی ملک‌شاه گزارش می‌دهد (حسینی منشی، ۱۳۸۵: ۱۷۵).

در عهد جانشینان ملک‌شاه، جایگاه شیعیان امامی مستحکم‌تر نیز شد و داده‌های منابع و خاصه گزارش‌های النقض نشانگر استحکام این جایگاه

داده‌های منابع در مطالب فوق، می‌توان علل نفوذ شیعیان امامی و برخورداری آن‌ها از پایگاه اجتماعی مناسب را در عوامل زیر جمع‌بندی کرد: ۱. نظرگاه مثبت مولف شیعه‌مذهب النقض در تبیین رفتار مناسب سلاطین سلجوقی با شیعه امامیه و جایگاه برجسته عالمان شیعی در این عهد؛ ۲. اشاره نکردن صریح منابع مخالف شیعه به شیعیان امامی و سخن گفتن کلی آن‌ها از شیعه به‌طور عام در نتیجه دشمنی با اسماعیلیه؛ ۳. وجود دیوانسالاران و وزرای دارای نفوذ شیعی و فعالیت آنان با تسامح لازم در جهت منویات شیعیان امامی؛ ۴. سلوک متساهل شیعیان امامی و سعی آنان در ایستادگی و تداوم حضور، در پرتو مدارا و بهره‌گیری از اصل راهبردی تقیه و با کارکردهای فرهنگی اثرگذار مثل استفاده از منصب نقابت و منقبت‌خوانی.

عوامل موثر در ارتقا جایگاه سیاسی اجتماعی امامیه

مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در ارتقاء جایگاه سیاسی و اجتماعی شیعیان امامی در ایران عهد سلجوقی را می‌توان در نمونه‌های زیر بررسی کرد:

۱. بهره‌گیری از توان علمی و نفوذ عالمان دینی

امامیه در پرتو حمایت آل‌بویه، نسل نیرومندی از جوانان شیعی را در شهرهای مختلف شیعه‌نشین تربیت کرده بود که از فرهنگی غنی و توان علمی و اجرایی برخوردار توجهی برخوردار بودند؛ بنابراین آنان در پرتو مداراجویی و حفظ فاصله با اسماعیلیه، بدان حد از پایگاه اجتماعی رسیده بودند که در کانون آزار قرار نگیرند و در امور دیوانی و خاصه منصب وزارت صاحب نفوذ شوند. چنان‌که خواهد آمد، این نسل شیعی که به تدریج جای خود را در دربار باز کرده بود، با دراختیار گرفتن منصب وزارت و اداره صحیح امور دیوانی که یکی از راه‌های مهم ترقی و نفوذ قلمداد

است. نویسنده زبده‌التواریخ گزارش می‌دهد که «سلطان غیاث‌الدین محمد طبر در کار سلطنت نیک کردار بود و پیوسته به آبادانی و داد و حفظ بیت‌المال و صدقه سرگرم. از آیین و خرد راه می‌جست و درست کیش بود و با باطنیان و رافضیان کینی تمام داشت» (حسینی، ۱۳۸۰: ۱۱۶)؛ اما چنان‌که آمد پاسخ عبدالجلیل قزوینی به نویسنده ضد شیعی فضائح الروافض، از اقبال عمومی و نفوذ چشمگیر شیعیان در عهد سلطان محمد حکایت دارد (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۳۴).

سلوک سلطان محمد در برخورد با شیعیان ثابت نبود؛ در یک نمونه، او تحت‌تأثیر دشمنی با اسماعیلیان دستور قتل وزیر خود، سعدالملک آوجی را در نتیجه سعایت اطرافیان و به اتهام مراوده با اسماعیلیه صادر کرد؛ اما به‌سرعت پشیمان شد و با احترام فراوان وی را تشییع و دفن کرد (شوشتری، ۱۳۵۴: ۴۵۸/۲). در همین زمان، بزرگان امامی آن‌قدر نفوذ داشتند که در یک نوبت، با دادن پول سلطان را متقاعد کنند که خواجه احمد، فرزند نظام‌الملک را در اختیار آن‌ها قرار دهد و او را به جرم دسیسه‌چینی علیه شیعیان و در راستای رقابت‌های دیوانی از پای درآورند (راوندی، ۱۳۶۴: ۱۶۳ تا ۱۶۵).

شیعیان امامی در عهد سلطنت طولانی سنجر نیز وضعیت مناسبی داشتند. گزارش‌های ابن‌اثیر و محمدمیرک از نفوذ عمومی شیعیان و وزرای کاردان شیعی در عهد وی حکایت دارد (ابن‌اثیر، ۱۳۵۳: ۵۰/۱۹؛ حسینی، ۱۳۸۵: ۱۸۰). از رونق کار و پایگاه سیاسی شیعیان امامی در عهد دیگر سلاطین سلجوقی، اعم از محمودبن‌محمد و سلطان مسعود و طغرل سوم هم گزارش‌های بسیاری در منابع آمده‌است (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۲۶۲؛ حسینی، ۱۳۸۰: ۱۴۰؛ ابن‌اثیر، ۱۳۵۳: ۲۲۳/۱۹؛ راوندی، ۱۳۶۴: ۳۳۱). در کنار تبیین

نشستن در مجلس درس مخالفان، صورت می‌گرفت و روشی خوب برای تقریب مذاهب اسلامی بود (جلالی، ۱۳۸۲: ۱۲۲).

حتی خواجه متعصب سنی با نقیب سیدمرتضی وصلت و خویشاوندی داشت. مولف النقض در توصیف مناسبات حسنه علمای شیعه شهرری با نظام‌الملک طوسی و سلاطین سلجوقی بیان می‌کند که: «در شهرری که از امهات بلاد عالم است در عهد مرتضای قم که بود که بر وی طلب تقدم یارستی کردن؟ و معلوم است که علمای فریقین هر آدینه بسلام مرتضی رفتندی و از وی عطا ستندندی و سلطان در وقت انزوای او بسرای او رفت و نظام‌الملک با عظمت هر سال اند بار بسرای او رفتی» (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۳۹۹). همچنین در بیان احوال علمای شهرری و برتری برخی از آنها بر علمای سایر مذاهب چنین می‌آورد که: «در عهد سید کامل الحسنی کرا زهره بودی که بر وی زیادتی طلب کند؟ و در عهد سیدشمس‌الدین رئیس شیعت مگر مصنف دیده باشد که در همه محافل و مجامع سال‌های دراز از اصحاب حنیفه و شافعی کسی بر بالای او نشست و نتوانست نشست» (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۳۹۹).

نویسنده النقض از علمای بزرگ دیگر شهرها نیز یاد می‌کند؛ به‌طور مثال، در سبزواری سیداجل نام می‌برد و متذکر می‌شود که وی همیشه از والی شهر و شحنه و قاضی و سایر ائمه شهر برتر بوده‌است؛ در جرجان از نفوذ و برتری علمایی همچون سید شرف‌الدین ماضی، ناصر‌الدین، نور‌الدین، سید منتهی و در عصر مؤلف سید اجل جمال‌الدین و سید مشیر‌الدین یاد می‌کند؛ در نیشابور از سیداجل ذخر‌الدین و پدرش نام می‌برد. از عالمان و ادیبان معروف شیعه نیشابور در قرن ششم، باید از ابوالحسن علی‌بن‌احمد نیشابوری فنجکردی (۵۱۳م) یاد کرد که کتابی با

می‌شد و نیز همزیستی مسالمت‌آمیز با اهل سنت در کانون اهتمام سلاطین سلجوقی واقع شدند و از همین نفوذ، در جهت توسعه و ترویج فرهنگ شیعی بهره گرفتند.

برتری عالمان شیعی که نام و نفوذ برخی از آنها را عبدالجلیل قزوینی ذکر کرده‌است، حاکی از تلاش فرهنگی شیعیان امامی در جهت ماندگاری و سعی در کسب برتری در پناه م‌دارای سیاسی و اعتقادی است. شیعیان امامیه با کمک‌گرفتن از مدارس و مساجد متعددی که در شهرهای شیعه‌نشین ساخته شدند، برنامه‌های فرهنگی و علمی و دینی خویش را آرام‌آرام پیش بردند و با تربیت و تهذیب جوانان شیعه‌مذهب در این مراکز دینی و علمی، آنها را برای واردشدن به دنیای سیاست و توسعه اهداف شیعه در ایران آن روز آماده کردند (بارانی، ۱۳۹۰: ۱۷۲).

مولف النقض در پاسخ شهاب‌الدین شافعی مولف فضائح‌الروافض که در موضعی، علمای شیعه را در زبونی به یهودیان مانند می‌کند، فهرستی از علمای شیعه را در شهرهای مختلف می‌آورد و مدعی می‌شود که علمای شیعه در نزد امرا و سلاطین احترام و رتبه‌الایی داشته و از نظر مرتبه، از علمای سنی‌مذهب آن شهرها نیز بالاتر بوده‌اند. اینکه شخصی همچون شیخ‌جعفر دوریستی آنچنان در کانون احترام خواجه نظام‌الملک، وزیر سنی و متعصب سلجوقیان، بود که خود خواجه به شخصه، برای بهره‌بردن از مجلس درس وی هر دو هفته یکبار به محضر او در دوریست (طرشت فعلی) می‌رفت، دلیل محکمی بر این مدعای عبدالجلیل قزوینی است. علمای امامیه نیز در عوض، در مجالس درس سایر فرق اسلامی شرکت می‌کردند (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۱۰۵). افزایش ظرفیت علمی علمای شیعه با روش‌های منطقی و مسالمت‌جویانه، مثل

کاشان پا به عرصه سیاست نهادند. بسیاری از این وزیران امامی مذهب بودند و حفظ جایگاه شیعه را مطلوب خود می‌دانستند.

در واقع، شیعه امامیه با تربیت عناصر ورزیده تلاش می‌کرد که در ساختار دولت سلجوقی، آن هم در سطوح عالی حاکمیت آنها، مشارکت فعال داشته باشد؛ چراکه در آن صورت، فرصت لازم برای تحقق دیگر اهداف خود را به دست می‌آورد. در واقع جنگی فرهنگی بین دو جبهه متضاد شکل گرفته بود تا قدرت شمشیر سلاطین سلجوقی را به نفع آرمان‌های مذهبی خویش هدایت کنند. یک طرف مذاهب شافعی و حنفی با وزرای مقتدری همچون خواجه نظام‌الملک قرار داشتند که از پشتوانه معنوی خلافت عباسی برخوردار بودند و در طرف دیگر، شیعیان اثنی‌عشری با افرادی شاخص و دانشمندی در لباس وزارت و دیگر مناصب درباری که برای ماندگاری و پیروزی تلاش می‌کردند. پشتوانه گروه دوم تجربه فراوان دیوانی بود که در دربارهای امرای بویهی کسب کرده بودند و میراث‌خوار وزیران قدرتمندی همچون صاحب‌بن‌عباد قلمداد می‌شدند. این وزیران دست‌پرورده دربارهای بویهی و حوزه‌های بزرگ شیعی بودند که علمای بزرگی همچون شیخ طوسی، شیخ مفید و شیخ کلینی از افراد شاخص آن به شمار می‌آمدند. بزرگان شیعی در سایه این میراث‌گران سنگ و توانایی خود در امر وزارت و دیوانسالاری، با اتخاذ موضعی متساهلانه، به تدریج موقعیت سیاسی و اجتماعی از دست‌رفته خود را در بدو حکومت سلجوقیان به دست آوردند و قادر به حفظ کيان خود شدند. نفوذ این دبیران و جایگاه اداری آنها موجب می‌شد تا سرهنگان و نیروهای اجرایی دولت از آنها پیروی کنند (جلالی، ۱۳۸۲: ۱۲۰). در سیاست‌نامه آمده است: «و اکنون کار به جایی رسیده است که درگاه و ایوان از ایشان (بدمذهبان عراق) پر

عنوان تاج الاشعار فی النبی المختار و اله الاطهار نوشته است. عالم دیگر نیشابوری تاج العلماء نیشابوری و دیگری حسن بن ابراهیم بن عبدالعزیز تمیمی نیشابوری است که تا سال ۵۰۰ قمری زنده بوده است. ابن‌ابی‌طی شیعی امامی از وی یاد کرده و او را یکی از علمای شیعه و از برجستگان نیشابور «وجوه نیشابور» معرفی کرده است (عسقلانی، ۱۳۹۰: ۳۵۷/۲). عالم دیگری نیشابوری حسن بن یعقوب نیشابوری بوده که در سال ۵۱۷ قمری فوت کرده است. یکی از عالمان علوی نیشابوری با نام زید بن حسن بن... موسی بن جعفر (ع) نیشابوری متوفی ۴۹۱ یا ۴۹۲ قمری، در سال ۴۶۳ قمری به اصفهان رفت که در آنجا او را به وضع حدیث متهم کردند؛ چون احادیثی در باب صفات خداوند روایت کرد که با آرای اهل سنت اصفهان موافقتی نداشت (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۱۷).

قزوینی رازی سپس برترین علمای شیعه استرآباد را نام می‌برد که معروف‌ترین آنها سید نظام‌الدین از ماضیان و از باقیان سید صدر الدین سمرقندی، کمال الدین استرآبادی و معین‌الدین بوده‌اند. درباره ساری چنین می‌نویسد: «و سادات ساری سیدالحسن و اولاد او شرف‌الدین و تاج‌الدین و قطب‌الدین و بهاء‌الدین همه با علم و فضل و شرف و نسب عالی و مال و جاه که بوده‌اند و هستند همانا پوشیده نماند» (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۳۹۹). وجود این علما و کارهای فرهنگی آنان که همراه با تاسیس کتابخانه‌ها و مدرسه‌های بسیاری بود، به گسترش فرهنگ و ارتقاء جایگاه شیعه امامیه کمک می‌کرد.

۲. بهره‌مندی از وزیران توانمند و اثرگذار

ترکان سلجوقی با قدرت شمشیر بر سرکار آمدند؛ اما آنچه دولت آنها را در شمار یکی از مقتدرترین دولت‌های ایران پس از اسلام قرار داد، وزرایی قدرتمند بود که بیشتر از حوزه‌های فرهنگی خراسان و قم و

نفوذی که بر سلطان داشت، به سعایت کسانی همچون «صدرالدین خجندی قاضی اصفهان و ابوسعید هندی و شمس‌الدین عثمان پسر نظام‌الملک» به اتهام همدستی با ملاحظه کشته شد. سلطان محمد سلجوقی به شدت از مرگ وی متأثر شد (شوشتری، ۱۳۵۴: ۴۵۸/۲).

در تاریخ گزیده در شرح اتهام الحاد سعدالملک چنین آمده است: «وزیر سلطان محمد، سعدالملک آوجی در الحاد از متابعان احمد عطاش بود. از قلعه پیغام بدو فرستاد که جهت ما رزقی بفرست و الا قلعه بسپاریم. جواب فرستاد که روزی دو دیگر تحمل کنید تا این سگ یعنی سلطان را از دست بگیریم. چون سلطان محرور مزاج بود، هر ماه، فصد کردی. سعدالملک آوجی فصاد سلطان را بفریفت تا او را به نیش زهرآلود فصد کند این حال از قول زن حاجب سعدالملک آوجی که با معشوق خود شب به خلوت، در اثنای حکایت می‌گفت، به سمع سلطان رسید» (مستوفی، ۱۳۳۹: ۴۴۵).

دیگر وزیر مقتدر این عهد تاج‌الملک ابوالغنائم شیرازی بود که پس از جلب نظر سلطان، نفوذ خود در دستگاه ملکشاه را از کسب ریاست دیوان رسائل و طغرای آغاز کرد. تاج‌الملک به همراه مجدالملک قمی صاحب دیوان استیفا و ابوالعالی سدیدالملک عارض و مساعدت ترکان خاتون همسر سلطان، جبهه متحدی علیه نظام‌الملک و غلامان و درباریان دست‌پرورده او تشکیل دادند و در نهایت نیز سلطان را به برکناری خواجه و واگذاری امور اجرایی به این جبهه متحد شیعی متقاعد کردند. مورخان سنی‌مذهب این تحولات سیاسی را منفی جلوه داده‌اند و مهم‌تر اینکه شخص تاج‌الملک نیز از این پیروزی بهره‌ای نبرد و در نبرد جانشینی ملکشاه جان باخت؛ اما برتری وی و اطرافیان شیعی او از تفوق گفتمان سیاسی امامیه از این زمان به بعد حکایت می‌کند (راوندی، ۱۳۶۴:

شده است و هرترکی را ده و بیست در پیش ایشان می‌دوند و اندر آن تدبیراند که اندک خراسانی را بدین در و درگاه نگذارند که بگذرد یا نانی یابند» (نظام‌الملک، ۱۳۵۸: ۱۷۹).

چنان‌که آمد این مسئله در عهد سلاطین متأخر سلجوقی قوت گرفت؛ به طوری که دشمنان شیعه فریاد اعتراض خود را برای این همه اقتدار و توانمندی و نفوذ شیعه در دربار سلاطین سلجوقی بلند کرده‌اند (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۱۱۲). چنین نفوذی تا حد بسیاری مرهون جایگاه و عملکرد وزرای شیعه‌مذهب این عهد بود؛ چراکه دیوان وزارت که زیر نظر وزیر اداره می‌شد و بر دیگر دیوان‌ها نظارت می‌کرد، در رأس امور اجرایی قرار داشت و کارگزاران سیاسی را منصوب می‌کرد؛ حتی برای جلوگیری از هرگونه گرایش به سوی الحاد و ارتداد، بر نهادهای دینی نیز نظارت می‌کرد.

سلاطین نخست سلجوقی حنفی بودند و طبق تعصب فرقه‌ای، وزیران حنفی یا شافعی‌مذهب همچون عمید الملک کندری و خواجه نظام‌الملک را انتخاب می‌کردند؛ اما چنان‌که آمد، به تدریج که تشیع امامی هویت و ماهیت متفاوت خود را از دیگر فرق تشیع نشان داد، زمینه برای ورود وزرای شیعی به دربار و نفوذ فکری امامیه در جامعه و حکومت هموار شد. برخی از این وزیران آنقدر صاحب نفوذ بودند که عبدالجلیل قزوینی صفحاتی را به شرح زندگی و آثار و برکات وزارت آن‌ها اختصاص می‌دهد؛ از این جمله سعدالملک آوجی بود که وی را چنین معرفی می‌کند: «سعدالملک سعدبن محمد آوی وزیر محترم و مشیر حضرت سلطنت بوده فریقین از ائمه و علماء ایشان و متصوفان او را صاحب و خداوند نوشته و خوانده و از وی صلات و عطایا و تسویغ و ادرار سنده» (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۲۲۰). این وزیر ذی‌نفوذ شیعی با همه

محمد (شوشتری، ۱۳۵۴: ۶۶۷/۲؛ راوندی، ۱۳۶۴: ۲۹۲، ۳۷۰)، شرف‌الدین انوشروان بن خالد فینی کاشانی، وزیر سلطان مسعود و محمود و نویسنده کتاب معروف و مفقود «نفثه المصدور فی صدور زمان‌الفتور و فتور زمان الصدور» که تنها ترجمه آن از سوی عماد کاتب باقی مانده است (منشی کرمانی، ۱۳۶۴: ۷۸؛ ابن‌الاثیر: ۱۳۵۳: ۱۰/۲۰؛ قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۲۲۱) و تعداد بسیار دیگری که دوران وزارت آن‌ها در منابع این عصر بازتاب یافته است، از جمله وزرای مقتدر شیعی بوده‌اند. متأسفانه اغلب این وزرا در نتیجه رقابت‌های دیوانی و ایستادگی در راه حفظ منویات خویش کشته شده‌اند^۱ (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۲۱۹ تا ۲۲۱؛ ابوالرجاء قمی، ۱۳۸۶: ۷۳، ۸۱، ۸۵، ۸۸، ۹۰، ۱۲۱؛ کاتب اصفهانی، ۱۸۸۹: ۱۷۱؛ منشی کرمانی، ۱۳۶۴: ۸۱؛ ابن‌خلکان، ۱۳۸۰: ۲۲۷). بهای سنگینی که وزرای امامی مذهب این عصر در راستای حفظ کیان و برکشیدن شیعیان امامی متحمل شده‌اند و تنها با وزیرکشی‌های عهد ایلخانان (۶۵۴ تا ۷۳۶ق/۱۲۵۶ تا ۱۳۳۵م) درخور قیاس است، شور و شعور شیعیان این عهد را در جهت برتری بخشیدن به گفتمان فکری فرهنگی تشیع و حفظ ماندگاری در جامعه و حکومت را در خود دارد. گسترش و قدرت‌گیری نیروهای فرهنگی، سیاسی و به خصوص دیوانیان و وزیران شیعی در دوران سلاطین متاخر سلجوقی و تاثیرگذاری شیعیان مناطق مرکزی ایران، زمینه توسعه پسینی شیعه امامیه را در دوره ایلخانان فراهم کرد (بارانی، ۱۳۹۴: ۷۰).

۳. بهره‌گیری از اصل راهبردی تقیه

دوره سلجوقیان یکی از دوره‌هایی است که اختلافات دینی و اعتقادی در آن شدت گرفت و در کنار آشفتگی‌های سیاسی، در امور دینی و مذهبی و به تبع

۱۳۵ و ۱۳۶؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۳۱۸۱/۴؛ حسینی یزدی، ۱۳۸۸: ۵۷ و ۵۸).

دیگر وزیر مقتدر این عهد مجدالملک قمی براوستانی بوده که ابتدا در دربار سلطان ملکشاه به‌عنوان مستوفی مشغول به کار بود. وی به همراهی تاج‌الملک با جسارت تمام در برابر سیطره نظام‌الملک و فرزندان و یاران وی بر امور مملکتی قیام کرد و به منصب وزارت رسید (اقبال، ۱۳۳۸: ۱۰۵). وی در سال ۴۹۰ق/۱۰۹۷م به وزارت رسید و تا سال ۴۹۲ق/۱۰۹۹م که به قتل رسید از احترام فراوانی برخوردار بود. در گزارش عماد کاتب «مجدالملک قمی... از فاضل‌ترین و کاردان‌ترین مستوفیان روزگار بود و در حفظ قوانین و تدبیر دواوین و ضبط حساب نظیر نداشت» (کاتب اصفهانی، ۱۸۸۹: ۶۰). مولف النقص آثار و برکات دوران وزارت وی را متذکر شده است (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۸۲، ۲۱۹ و ۲۲۰).

شرف‌الدین ابوطاهر بن سعد القمی نیز در دوران کوتاه وزارت، نام نیکی از خود برجای نهاد. منشی کرمانی او را «... بغایت متدین و متصون و متشرع...» معرفی می‌کند (منشی کرمانی، ۱۳۶۴: ۵۹ و ۶۰). دیگر معین‌الدین ابونصر احمد الکاشانی وزیر سنجر بود که تمام منابع از نیک سیرتی او یاد می‌کنند (کاتب اصفهانی، ۱۸۸۹: ۹۹ و ۱۰۰؛ قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۲۲۰ و ۲۲۱؛ منشی کرمانی، ۱۳۶۴: ۶۷) و در نتیجه مبالغه در ضدیت با اسماعیلیه، به قتل رسید. منشی کرمانی عملکرد وی را چنین بیان می‌کند: «و وزیر معین‌الدین در وضع قوانین پسندیده و رفع رسوم ذمیمه بکوشید و آثار خیر و نام نیکو یادگار گذاشت و بقاع خیر بسیار در ممالک بنا فرمود» (منشی کرمانی، ۱۳۶۴: ۶۷، ۶۹).

فخرالدین طاهر بن‌الوزیر معین‌الدین کاشی، معین‌الدین بن‌الوزیر فخر‌الدین، ارسلان بن طغرل بن

خود در امور اداری و اجرایی، برخورداری از سلوک اعتدالی و مشی مدارجویانه، پرداختن به اموری فکری و فرهنگی و پرهیز از ورود در درگیری‌های اجتماعی و اعتقادی تا حد ممکن، از شیوه‌های دیگری نیز استفاده کنند. یکی از این شیوه‌های موثر که در حکم چتری حمایتی هویت و ماهیت شیعیان امامیه را محفوظ کرده و امکان ورود آن‌ها را در عرصه سیاست و حکومت فراهم می‌کرد، اصل راهبردی تقیه بود. اصلی که به‌عنوان راهکاری کلامی و عملیاتی، در عصر فرمانروایی سلجوقیان، شیعیان امامیه به خوبی از آن بهره گرفتند.

در مذهب تشیع، تاریخچه تقیه به دوران امام علی (ع) برمی‌گردد. در دوره‌های بعدی نیز متناسب با اوضاع و احوال زمانه، از این روش استفاده می‌شد. در دوران سلاطین اولیه سلجوقی، بنا به تعصب وزیران متعصب آن‌ها، شیعیان امامی متوسل به این روش شدند، تا خود را از خطرهایی که به‌طور معمول از طرف متعصبان سنی متوجه آن‌ها بود، حفظ کنند. عبدالجلیل در پاسخ به نقد مولف فضایح، این چنین به دفاع از تقیه پرداخته‌است: «اما تقیه، دفع مضرت باشد از نفس و دگر مؤمنان اگر مضرت معلوم باشد و اگر مظنون بترک حرکتی یا لفظی که نقصان ایمان نکند چنان‌که عمار یاسر کرد در عهد هجرت رسول صاحب شریعت و دیگر صحابه و شیعه بدان مخصوص و منفرد نباشند و نه خواجه پیش از این خود را سنی مطلق خواندی اکنون از بیم ترکان مرکب کرده‌است و خود را حنفی سنی می‌خواند و تقیه همین باشد» (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۱۳۷).

عبدالجلیل قزوینی در چند موضع دیگر نیز به دفاع از این اصل راهبردی شیعه پرداخته و آن را علل موفقیت شیعه قلمداد کرده‌است (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۳۱، ۴۷۷). راوندی که با شیعه عناد و دشمنی آشکاری

آن جهت‌گیری‌های اجتماعی نیز وضعیت نامساعدی حاکم شد (صفا، ۱۳۶۳: ۱۳۶/۲). در این عهد، فلسفه و علوم عقلی از رونق افتاد و تعصب و تحجر امکان هم‌نوایی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز را از جامعه گرفت. در بسیاری مواقع حکومت هم خواسته یا نخواستہ غرق در تعصب بود و ناگزیر سلاطین و دولتمردان هم در جهت‌گیری‌های مذهبی و فرقه‌ای دخالت می‌کردند. در این عهد، نزد صاحبان قدرت، استفاده از حربہ تهمت و افترا و سعایت برای کنارزدن رقیب، تحریک توده مردم و بازی با معتقدات آنان در جهت مطامع شخصی و پخش شایعات بی‌اساس در جهت تسویه حساب با رقیبان امری طبیعی بود. در چنین وضعیتی فضایی مسموم و آکنده از ابهام بر مناسبات جامعه و حکومت حاکم بود و همین امر صاحبان فرق و مذاهب مختلف را مجبور می‌کرد که در حالت خوف و رجا، به افراط و تفریط روی بیاورند. گزارش‌های منابع حاکی از اختلاف و کشمکش میان مذاهب و حتی فرق هم‌مذهب است و از وجود درگیری‌های فراوان در شهرها و محلات یاد می‌کنند (حسینی، ۱۳۸۰: ۱۵۴؛ ابن‌فندق، ۱۳۱۷: ۲۷۴ تا ۲۷۶، ۲۶۸ و ۲۶۹).

در این دوران پرنشیب، شیعیان امامی به‌عنوان گروهی اصولی و فرهنگی پرنفوذ که با نابودی آل‌بویه پشتوانه سیاسی خود را از دست داده بودند، در دهه‌های آغازین حکومتداری سلجوقیان در کانون بغض دولتمردان ذی‌نفوذ بودند و جایگاه عمومی ایشان تحت‌الشعاع عملکردهای تروریستی اسماعیلیه قرار گرفته بود و اغلب در نتیجه حب و بغض، میان ایشان با دیگر فرق شیعی تمایز اصولی و اعتقادی قائل نبودند؛ بنابراین شیعیان امامی نیازمند احتیاط بیشتری در سلوک سیاسی و اجتماعی خود بودند (حسینی رازی، ۱۳۶۴: ۱۸۰؛ قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۱۰۶؛ راوندی، ۱۳۶۴: ۴۳۱) و طبیعی بود که در کنار بهره‌مندی از تجارب ارزشمند

حضرت رسول(ص) در کانون احترام مسلمانان بود، در ساختار سیاسی و اعتقادی جامعه اسلامی جایگاه تعریف شده‌ای داشت و از حیث مادی و معنوی دارای نفوذ بود؛ به‌خصوص نقش آن‌ها در حفظ موقعیت شیعیان امامیه، در جامعه سنی آن روز، بسیار مهم بود. در جایی که شمار بسیاری از جمعیت شهر را شیعیان تشکیل می‌دادند، نقیب خودبه‌خود مسئولیتی هم‌پای رئیس شهر داشت و رهبر و نماینده تمام اهالی شهر محسوب می‌شد. وی منصبی نیمه اداری داشت و به‌عنوان ضامن حسن رفتار جامعه شیعیان، پاسخ‌گوی حکومت بود. سلطان نیز به نوبه خود، رعایت نقیبان را می‌کرد (باسورث، ۱۳۸۴: ۱۹۹).

بخشی از وظایف نقیب بدین شرح بود: اداره امور عمومی سادات و علویان اعم از نظارت بر رفتار آن‌ها، اجرای حق قضاوت و اداره امور مالی ایشان، رسیدگی به جرایم سادات، برخورد با مدعیان دروغینی که خود را علوی معرفی می‌کردند، کمک به سادات و علویان فقیر و پیدا کردن شغل مناسب برای جلوگیری از تکدی‌گری (خضری، ۱۳۸۶: ۲۷۵).

در کتاب النقض، از غائله‌ای در عهد سلطان مسعود سلجوقی در شهرری یاد می‌شود که در نتیجه حبس تعدادی از رؤسای اهل سنت همچون بوسعده وزان و «بلفضائل مشاط» و شرف‌الائمه بونصر هسنجانی در خانه‌ی امیرعباس، برپا شد و به غوغا و درگیری اهل سنت و اشاعره انجامید و تعدادی از غوغاگران به دار آویخته شدند. عاقبت این نقیب شیعیان بود که غائله مذکور را خاتمه بخشید و موجبات آزادی محبوسان را فراهم کرد. سیدفخرالدین، نقیب شیعیان، پس از گذشت سه ماه از حبس رؤسای اهل سنت، نزد سلطان از این افراد شفاعت کرد و آنان پس از

داشت، رفتار اسپهبد شیعی مازندران را با سلطان طغرل بن ارسلان تقیه و نفاق می‌داند و می‌نویسد: «و ملک مازندران خذ له الله و لعنه که مبنای عقیدت او و جمله رافضیان علیهم‌اللعنه بر تقیه و نفاق است منافقی که از عقیدت پلید و ذات خبیث او سزید به جای آورد و نه از دل سلطان را نزلی فرستاد...» (راوندی، ۱۳۶۴: ۳۴۱)؛ درحالی‌که تقیه فرمانروایان شیعه آل‌باوند باعث گسترش تشیع در شمال ایران در دوره سلجوقی شد. با هر پیشینه اعتقادی و هرگونه قضاوت سلبی یا ایجابی مورخان این عهد، همین سیاست تقیه بود که در پرتو آن شیعه امامیه کیان خود را حفظ کرده و با کارکرد فکری و فرهنگی و نفوذ در دستگاه دیوانی سلجوقیان، مخالفان خود و از جمله نظام‌الملک و وابستگان به وی را به شدت نگران و در نهایت هم از صحنه سیاسی برکنار کرد. تقیه در حکم کتمان اعتقادات دینی از روی احتیاط و دوراندیشی، به‌ویژه در هنگامه مواجهه با خطر، به شیعیان عهد سلجوقی کمک کرد که دهه‌های پرخطر و خطر نیمه دوم قرن پنجم و آغازین دهه‌های قرن ششم قمری را آسان‌تر سپری کنند و با کسب پایگاه سیاسی و اجتماعی لازم، در دهه‌های پایانی دوران سلاجقه بدون نیاز به استفاده از تقیه، آزادانه به کار خود ادامه دهند.

۴. بهره‌گیری از منصب نقابت

سازمان نقابت یکی از سازمان‌های موفق و کارآمد شیعیان امامی در طول تاریخ بوده‌است. نقیب به‌عنوان فردی علوی و سید که در جامعه و حکومت از منزلت والایی برخوردار بود، نقش رهبری و حمایت شیعیان امامی را بر عهده داشته و نظر به نفوذ سیاسی و معنوی خویش، سهم موثری در حفظ کیان شیعیان داشت. نقیب که با نسبت علوی و انتساب به

اینکه «بخط خویش بطلان مذهب خویش بنوشتند» آزاد شدند (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۱۴۳).

نقبای علوی که افرادی عالم و زاهد بودند، نمود تساهل شیعیان و پل ارتباطی حکومت سنی و مردمی شیعی قلمداد می‌شدند. همین نقش ارتباطی و نقطه اتکا باعث می‌شد که شیعیان موقعیت اجتماعی خود را حفظ کنند و در دراز مدت، جایگاه خود را بهبود بخشند. مهم‌تر اینکه وجود نقیب در بین شیعیان باعث اتحاد و همدلی آن‌ها می‌شد. مولف فضایح الروافض این اتحاد و همدلی ستودنی شیعیان آن روز را چنین بیان می‌کند: «اگر رافضی را کاری‌ها افتد همه دست بهم کنند و او را برهانند و اگر حنیفی مذهبی را یا شافعی مذهبی را کارها افتد دست بهم کنند و خانه‌اش ببرند و کین دین از وی بکشند» (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۱۱۶).

ابن‌اثیر در تاریخ الکامل، در شرح حوادث سال ۵۰۱ق، به قدرت اقتصادی و اجتماعی چشمگیر رئیس علویان همدان اشاره می‌کند. این نقیب ابوہاشم زید حسنی علوی بود که نسب به صاحب‌بن‌عباد، وزیر شیعی آل‌بویه، می‌رسانید و در این زمان حاکم همدان بود (ابن‌اثیر، ۱۳۵۳: ۱۱۸/۱۸). طغرل‌بیگ، مؤسس سلسله سلجوقی، نیز در بدو ورود خود به همدان، ناصر علوی را به عنوان نماینده خود انتخاب کرد (ابن‌اثیر، ۱۳۷۰: ۵۷۵۴/۱۳). گاهی نقبا در راس گروه‌های شهری، به دفاع از شهرها و حمایت از مردم می‌پرداختند؛ از این جمله در آشفتگی‌های اواخر سلطنت سنجر که غزان به شهر طوس حمله کردند، نقیب شهر به همراه مردم به دفاع از شهر و مشهد علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) پرداخت و در میدان منازعه شهید شد (ابن‌اثیر، ۱۳۵۳: ۲۰، ۲۴۹). در شهر شیعه‌نشین سبزوار نیز، نقیب شیعیان فرماندهی مقاومت مردم در برابر غزان

را به عهده گرفت. «غزان شهر سبزوار را محاصره کردند اما نقیب عمادالدین علی‌بن‌محمد بن یحیی علوی حسینی که ریاست علویان را داشت، برای دفع غزان قیام کرد و در پیکار با ترکان غز پایداری نشان داد. در نتیجه، غزان مجبور به صلح با مردم سبزوار شدند». این حادثه در سال ۵۵۴ق/۱۱۵۹م رخ داد (ابن‌اثیر، ۱۳۵۳: ۳۰/۲۱؛ ابن‌فندق، ۱۳۱۷: ۲۰۲، ۲۷۱). منزلت اجتماعی نقبا آن‌قدر چشمگیر بود که وزیری همچون خواجه نظام‌الملک، دختر خود را به همسری پسر سیدمرتضی قمی درآورد. نقیبان در شهرهای مختلف ایران، امور شیعیان و سادات را اداره می‌کردند و در واقع، رهبران موفق شیعه در گذر از مراحل سخت عهد سلجوقی بودند.^۲

نقش این نقیبان در شهرهای مختلف ایران، سر و سامان دادن به امور شیعیان و سادات آن شهرها و بررسی شکایات و اختلافات آن‌ها بود. در واقع، آن‌ها رهبران موفق شیعه در آن زمان بودند که با هدایت و رهبری آن‌ها، شیعه امامیه به گذر از آن مراحل سخت موفق شد. نقیب علویان احترام و جایگاه والایی در نزد سلاطین سلجوقی و وزرای آن‌ها داشت. مردم کوچه و بازار نیز به نقبا احترام می‌گذاشتند. از آنجاکه وجود تعصبات شدید مذهبی در جامعه آن روز نوعی معضل به حساب می‌آمد، نقش نقبا برای کاهش این تنش‌ها و درگیری‌های فرقه‌ای درخور ستایش است. آن‌ها با استفاده از نفوذ معنوی عمیق خود در بین مردم، آن‌ها را از درگیری و اغتشاش برحذر می‌داشتند. نقش آن‌ها در حفظ موقعیت شیعیان امامیه در جامعه سنی آن روز، انکارناشدنی است. درجایی که شمار بسیاری از جمعیت شهر را شیعیان تشکیل می‌دادند، نقیب خود به خود با داشتن منصبی که در حکم مسئولیت رئیس بود، رهبر و نماینده تمام اهالی شهر محسوب می‌شد.

قالب، به نشر و توسعه مذهب خویش و کسب وجاهت اجتماعی و فرهنگی می پرداختند.

نتیجه

شیعیان امامیه که با زوال سیاسی آل بویه پایگاه سیاسی خود را از دست دادند و با نظام سیاسی نوظهوری مواجه شدند که از همان آغاز، کارکردهای سیاسی را با جهت گیری کلامی همراه کرده بود، از سر تأمل و درپیش گرفتن راهبرد و کارکردهای مناسب، برای تسخیر وضع موجود به نفع خویش تلاش کردند. به ویژه در دوران پرنشیب دهه های آغازین فرمانروایی سلاجقه که آشفتگی و ابهام بسیاری در مناسبات جامعه و حکومت وجود داشت و بازار دسته بندی های فرقه ای داغ تر بود، فرهیختگان امامیه با دقت و تأمل بیشتری برخورد کردند. آنان از راه مدارا و تعامل با دستگاه سنی مذهب سلجوقی، به نفوذ و احیاناً مقابله با دولتمردان ضد شیعی پرداختند. شیعیان امامی با بهره گیری از اصل راهبردی تقیه، تحمل سختی ها را بر خود هموار کردند و با به کارگیری هرچه بیشتر مدارا و تأنی در سلوک سیاسی و اجتماعی با دیگران، موجبات همزیستی متقابل با مخالفان شیعی را فراهم آوردند. این در حالی بود که با پرداختن به امور فرهنگی و برخورداری از توان علمی لازم، هویت ممتازی را برای خود تعریف کردند و با استفاده از توان خویش در امور اجرایی و سیاسی و مهم تر از آن به کارگیری صداقت و راستی در انجام وظایف، اطمینان سلاطین سلجوقی را به خود جلب کردند. از این حیث، وزیران و نقیبان شیعی سهم موثری در جلب نگاه جامعه و حکومت به جامعه شیعی داشتند. در سطوح اجتماعی نیز با گرمی داشت سنن و اعتقادات شیعی در قالب منقبت خوانی و راست کرداری، ماهیت و هویت اجتماعی خود را ثابت کردند. وحدت نظر و اشتراک عمل امامیه

نقیب منصبی نیمه اداری بود و به عنوان ضامن حسن رفتار جامعه شیعیان، می بایست مانند رئیس پاسخ گوی حکومت مرکزی باشد.

۵. بهره گیری از رویکرد منقبت خوانی

منقبت خوانی که سابقه آن به دوران آل بویه بازمی گشت، اشعاری بود که فرد مناقب خوان در مدح امام علی (ع) می خواند. مناقب خوانی به معنای عام آن شامل انشاد و خواندن شعر و نثر، بیان مقام عبودیت، اخلاق والا، افعال کریمانه و نیک خواهی های امامان شیعه است. در واقع، منقبت خوانی روشی بود که مناقبیان در کوچه و بازار و محل های تجمع مردم اجرا می کردند. آن ها سعی می کردند با مدح امام علی (ع) و خاندان وی و بیان حقانیت مذهب شیعه، هویت مذهبی و فرهنگی خود را در جامعه ثابت کنند. در اوایل دوره سلجوقی، کمابیش پنهانی و در عراق و طبرستان فعالیت کرده و برای پرهیز از تعقیب و آزار، اغلب از جایی به جای دیگر مهاجرت می کردند (بویل، ۱۳۸۵: ۲۷۹). در رابطه با فعالیت مناقبیان در ایران عصر سلجوقی، مهم ترین منبع اطلاعاتی کتاب النقض است. مولف النقض طبق معمول، ابتدا بیان سلبی صاحب فضایح را آورده و سپس در پاسخ بدان، به دفاع از جایگاه منقبت خوانان پرداخته است (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۱۰۶، ۱۰۸ و ۱۰۹).

قوامی رازی یکی از شاعران شیعه این دوره بود که در دیوان اشعار خود، با زبان شعر، به منقبت خوانی پرداخت (قوامی رازی، ۱۳۷۴: ۱۱۸، ۱۳۳، ۱۴۳ و ۱۴۴). در عهد سلجوقی، شیعیان امامی از این برنامه تبلیغی، در جهت حفظ و استمرار هویت شیعی و حقانیت و وجاهت ائمه امامی استفاده می کردند و با بیان عقاید خود در این

۷۳، ۸۱، ۸۵، ۸۸، ۹۰، ۱۲۱؛ کاتب اصفهانی، ۱۸۸۹: ۱۷۱؛ منشی کرمانی، ۱۳۶۴: ۸۱؛ ابن‌خلکان، ۱۳۸۰: ۲۲۷).

۲. درخصوص جایگاه و نام تعداد بسیاری از نقیبان (ر.ک: قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۲۲۶).

کتابنامه

الف. کتاب های فارسی

. ابن‌اثیر، عز‌الدین علی بن محمد، (۱۳۵۳)، کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه ابوالقاسم حالت، تهران: شرکت سهامی چاپ و انتشار.

. کامل، برگردان حمیدرضا آذیر، تهران: اساطیر.

. ابن‌خلدون، ابوزید عبدالرحمن بن محمد، (۱۳۸۹)، تاریخ ابن‌خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

. ابن‌خلکان، احمد بن محمد، (۱۳۸۰)، وفيات‌الاعیان و انبا ابناالزمان، تصحیح دکتر فاطمه مدرسی، ج ۱، ارومیه: دانشگاه ارومیه.

. ابن‌فندق، ابوالحسن علی بن زید بیهقی، (۱۳۱۷)، تاریخ بیهق، با تصحیح و تعلیقات احمد بهمنیار، تهران: بنگاه دانش.

. ابوالرجاء قمی، نجم‌الدین، (۱۳۸۶) ذیل نقته‌المصدر، به کوشش حسین مدرسی طباطبایی، نیوجرسی: زاگرس.

. اقبال، عباس، (۱۳۳۸)، وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و یحیی ذکاء، تهران: دانشگاه تهران.

. باسورث، ادموند کلیفورد، (۱۳۸۴)، تاریخ غزنویان، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.

. بویل، جی. آ، (۱۳۸۵)، تاریخ ایران کیمبریج،

در سطوح فوق، موجب شد که شیعیان امامی بتوانند گفتمان شیعی موفق‌تری که از عهد حکومتداری بویان رقم خورده بود، عمق و گسترش دهند و زمینه‌های تعالی و رونق بیشتر گفتمان فکری فرهنگی امامیه را در اعصار خوارزمشاهیان و ایلخانان و خاصه در دوران پس از زوال ایلخانان تا روی کار آمدن صفویه هموار کنند. بی‌جهت نیست که در عهد حاکمیت خوارزمشاهیان و سپس مغولان و تیموریان، شیعه امامیه آن‌قدر جایگاه پیدا کرد که با نفوذ در بطن جریان‌های تصوف و فتوت و پایگاه‌های اجتماعی و معنوی و نیز رسوخ در دربارهای حکومتی، جایگاه اعتقادی و سیاسی درخور توجهی به دست آورد و با تشکیل حکومت‌های شیعی، راه را برای برتری گفتمان شیعی در عهد صفوی هموار کرد. بدون تردید گسترش و تعمیق زمینه‌های سیاسی و اجتماعی این امر در ایران، از همین زمان سلجوقیان هموار شده و تجارب این دوران الگوی اعصار بعدی شد. حاکمیت آل‌بویه، با همه اهمیت آن در طرح گفتمان موثر امامیه، در سراسر ایران رسوخ نداشت؛ اما قلمرو گسترده سلاجقه این امکان را برای امامیه فراهم کرد تا گفتمان مذکور را در پناه تساهل و راهبردهای مناسب گسترش دهد و زمینه‌های تعالی شیعه را در دوره‌های بعدی فراهم آورد. از این منظر، مجموع تلاش‌های شیعیان امامیه در عهد سلجوقیان بسیار کارآمد بود و موجبات برتری پایگاه سیاسی و اجتماعی آن‌ها را در ادوار بعدی فراهم آورد.

پی‌نوشت

۱. غیر از این وزیران، صاحب‌منصبان شیعی دیگری نیز در این عهد وجود داشته‌اند که عبدالجلیل قزوینی نام و نشان برخی از آن‌ها را ذکر می‌کند (ر.ک: قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۲۲۱ و ۲۲۲؛ همچنین بنگرید به: قمی، ۱۳۸۶:

- ترجمه حسن انوشه، ج ۵، تهران: امیرکبیر.
- جعفریان، رسول، (۱۳۸۵)، تاریخ تشیع در ایران، قم: انصاریان.
- حسینی رازی، سید مرتضی بن داعی، (۱۳۶۴)، تبصره العوام فی معرفه مقالات الانام، به تصحیح عباس اقبال، تهران: اساطیر.
- حسینی یزدی، محمد بن نظام، (۱۳۸۸)، العراضه فی الحکایه السلجوقیه، به کوشش مریم میرشمسی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- حسینی، محمد میرک، (۱۳۸۵)، ریاض الفردوس خانی، به کوشش ایرج افشار و فرشته صرافان، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- حسینی، صدر الدین ابوالحسن، (۱۳۸۰)، زبده التواریخ، ترجمه رمضانعلی روح الهی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حلمی، احمد کمال الدین، (۱۳۸۷)، دولت سلجوقیان، ترجمه و اضافات عبدالله نصری با همکاری حجت الله جودکی و فرحناز افضلی، چ ۳، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- خضری، سیداحمدرضا و مولفان، (۱۳۸۶)، تاریخ تشیع، تهران: سمت.
- خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین حسینی، (۱۳۸۰)، حبیب السیر، با مقدمه جلال الدین همایی، زیر نظر محمد دبیرسیاقی، بی جا: خیام.
- راوندی، محمد بن علی بن سلیمان، (۱۳۶۴)، راحه الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوق، به تصحیح محمد اقبال، تهران: امیرکبیر.
- ستارزاده، ملیحه، (۱۳۸۴)، سلجوقیان، تهران: سمت.
- شوشتری، قاضی نورالله، (۱۳۵۴)، مجالس المومنین، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- صفا، ذبیح الله، (۱۳۶۳)، تاریخ ادبیات ایران، ج ۲، تهران: فردوسی.
- قزوینی رازی، عبدالجلیل، (۱۳۵۸)، بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضایح الروافض، تهران: انجمن آثار ملی.
- کاتب اصفهانی، عمادالدین محمد، (۱۸۸۹)، زبده النصره و نخبه العصره، تحقیق هوتسما، لیدن: بی نا.
- مستوفی، حمدالله، (۱۳۳۹)، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.
- منشی کرمانی، ناصرالدین، (۱۳۶۴)، نسائم الاسحار من لطائم الاخبار در تاریخ وزراء، به تصحیح میر جلال الدین حسینی ارموی، تهران: اطلاعات.
- میر خواند، محمد بن خاوند، (۱۳۸۰)، تاریخ روضه الصفا فی سیره الانبیاء و الملوک و الخلفاء، تصحیح جمشید کیان فر، تهران: اساطیر.
- نظام الملک، ابوعلی طوسی، (۱۳۶۹)، سیاست نامه، به اهتمام عباس اقبال آشتیانی، تهران: اساطیر.
- یوسفی فر، شهرام، (۱۳۸۷)، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سلجوقیان، تهران: دانشگاه پیام نور.

ب. مقاله

- بارانی، محمدرضا و هدایت نادریان، (۱۳۹۴)، «پراکندگی جغرافیایی امامیه در ایران دوره سلجوقی»، فصلنامه علمی و پژوهشی تاریخ اسلام، س ۱۶، شماره مسلسل ۶۱، ص ۳۱ تا ۷۹.
- «وضعیت فرهنگی شیعه امامیه در ایران عصر سلجوقی»، فصلنامه علمی و تخصصی سخن تاریخ، س ۵، ش ۱۵، ص ۱۵۱ تا ۱۷۴.

. جلالی، غلامرضا، (۱۳۸۲)، «عصر سلجوقی و سیاست‌های فرهنگی شیعه»، فصلنامه مشکوه، ش ۷۹، ص ۱۱۰ تا ۱۲۲.

ج. پایان‌نامه

. دادخواه، عباسعلی، (۱۳۴۱)، ایران و تشیع، رساله دکتری، بی‌جا، بی‌نا.
. منظورالاجداد، محمد حسین، (۱۳۸۰)، امامیه در عصر سلجوقیان، رساله دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس